

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام

یک - یاران خاص

ویژگی‌های یاران خاص؛

- یاران زن.

گونه‌شناسی یاران خاص:

- ابدال؛

- اختیار؛

- عصائب؛

- نجبا.

دو - یاران عام (یاوران):

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام.



پیش‌درآمد

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام، بازوان توانمند ایشان و مایه پیروزی نهضت جهانی ایشان هستند. همه پیامبران از این همراهی بهره‌مند بوده و به پیروزی‌هایی دست می‌یافتند؛ همان‌گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با همراهی مهاجران و انصار، رسالت بزرگ خود را به انجام رساند و امیر مؤمنان علی علیه السلام با مجاهدت یاران راستین خود، پیروزی‌های بزرگی به دست آورد و سید الشهداء علیه السلام در قیام عاشورا، به کمک یاران خود برگی زرین در تاریخ به یادگار نهاد.

این جایگاه سبب شده تا پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره اهمیت حضور این انسان‌ها را در آن قیام جهانی یادآور باشند. امام صادق علیه السلام مجموع عواملی را که سبب پیروزی حضرت مهدی علیه السلام می‌شود در سه چیز دانسته و در باره این آیه که «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ فرمود:

وَأَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرَّغَبِ؛^۲

آن امر ما است، خدای عز و جل امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه

۱. «[هان] امر خدا در رسیدن، پس در آن شتاب مکنید»: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، ص ۱۹۸، ح ۹؛ ص ۲۴۳، ح ۴۳.

او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس. با بهره‌گیری از این روایت، مجموع عوامل پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را در دو بخش تقسیم کرده و در باره آن بحث می‌کنیم.

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان، همان منتظران راستین‌اند که دوران غیبت را به نیکی سپری کرده‌اند؛ و نیز زمینه‌سازان ظهورند که در آستانه برانگیخته شدن حضرت، به وظایف خود به شایستگی عمل کرده‌اند. روایات در مجموع این انسان‌ها را به دو بخش تقسیم کرده است. یاران خاص و یاران عام (یاوران).

یک. یاران خاص

اما دسته نخست، ۳۱۳ تن از یاران ویژه حضرت مهدی علیه السلام هستند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم آیاتی چند به آنان تأویل شده است. از امام باقر و صادق علیهما السلام در تأویل این سخن خداوند متعال: ﴿وَلَسِنُ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ...﴾^۱ نقل شده که فرمودند:

... أُمَّةٌ مَّغْدُودَةٌ يَعْنِي عِدَّةَ كَعِدَّةِ بَدْرٍ قَالَ يَجْمَعُونَ لَهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخُرَيْفِ؛^۲ مراد از امت معدود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ ۳۱۳ تن به شمار افراد جنگ بدر. آنان، در ساعتی جمع می‌شوند؛ مانند ابرهایی که در پاییز جمع می‌گردند.

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

مردانی که گویی قلب‌هایشان، مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نمی‌تواند دل‌های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت‌تر از سنگ هستند. اگر بر کوه‌ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر

۱. «و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم...»: هود (۱۱)، آیه ۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۲؛ نیز: ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۱، ح ۳۶.

اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می‌کشند و از این کار برکت می‌جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ‌ها، جان خود را سپر او می‌سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می‌دهند. مردانی که شب‌ها بر نمی‌خوابند؛ در نمازشان مهمه‌ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب‌ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب‌های خود سوارند. پارسایان شب و شیران روزاند. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایان زیادتر است. مانند چراغ‌ها هستند...

گویی که دل‌هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهید شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می‌کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می‌روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می‌کند.^۱

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِهِ «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۲
 إِلَّا تَمَنَّى لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى
 قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ
 لَقَلَعُوهَا وَ لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ^۳ وقتی لوط علیه السلام به
 قوش می‌گفت: «کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی
 استوار پناه می‌جستم»؛ آرزو داشت که توانایی قائم علیه السلام را داشته باشد. او با این
 کلام استواری اصحاب او را یاد کرده است، زیرا مردی از اصحاب وی،
 توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است. اگر بر کوه‌های
 آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای
 تعالی خشنود گردد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. هود (۱۱)، آیه ۸۰.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۷.

۱-۱. ویژگی‌های یاران خاص

در باره ویژگی‌های یاران خاص حضرت، نکات فراوانی در روایات ذکر شده که بعضی از آنها چنین است:

۱-۱-۱. جوان بودن

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت‌های حیات انسانی است. فصلی است برای شکفتن غنچه‌های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت. جوانان، جوانه‌های سرسبز و شاداب و شکوفه‌های زیبا و دلپذیر درخت زندگی و حیات انسانی‌اند. با توجه به جایگاه مهم جوان و جوانی، آموزه‌های دینی همواره بر این موقعیت تأکید فراوانی کرده و به مناسبت بدان توجه نموده است. یکی از این موارد مورد تأکید این است که در برپایی قیام جهانی منجی موعود، نه فقط خود حضرت در هیئت مردی جوان ظهور خواهد کرد که بیشتر یاران خاص او در سن جوانی بوده و بزرگسالان میان آنان کم‌شمار خواهند بود.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَأَقْلَ الزَّادِ الْمِلْحُ؛^۱ همانا یاران قائم علیهم السلام همگی جوانند و پیر میانشان نیست؛ مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است.

۱-۱-۲. محدود بودن شمار آنها

با توجه به سختی دین‌داری در دوران غیبت و بویژه در آستانه ظهور، کسانی که شایستگی ملازمت با آن حجت الهی را پیدا کنند و به بالاترین درجه ایمان برسند، محدود خواهند بود؛ از این جهت در شماری از روایات گفته شده است: شمار یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ تن است.^۲ این عدد نیز مانند بسیاری از اعداد دیگر، دارای رمز و رازهایی است که بر ما پنهان و پوشیده است.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الفییه*، ص ۳۱۵، ح ۱۰.

۲. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، ص ۵۵۴؛ سیوطی، *عقد الدرر*، ص ۵۹.

۱-۱-۳. نخستین بیعت کنندگان

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ علیه السلام جِبْرِئِيلُ علیه السلام؛^۱ نخستین کسی که با قائم بیعت می کند جبرئیل است.

امام باقر علیه السلام در باره نخستین کسانی که پس از فرشته وحی بیعت می کنند فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ؛^۲

۱-۱-۴. پرچم‌داری و حاکم بودن آنها

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی عدل و قسط در همه گیتی است و یاران او در مبارزه علیه ستمگران، آن حضرت را برای این مهم یاری خواهند کرد. پس از آنکه در مبارزه با دشمنان «پرچم‌دار» امام بودند، در دوران حکومت از کارگزاران و حاکمان وی بر مناطق مختلف جهان خواهند بود. این مطلب در کلام امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛^۳ گویا به قائم علیه السلام می‌نگرم که بر منبر کوفه است و اصحابش - که ۳۱۳ تن و به شمار اصحاب جنگ بدراند - در اطراف او هستند و آنان پرچمداران و حاکمان خدای تعالی بر خلقش در زمین می‌باشند. . . .

۱-۱-۵. قدرت‌مند بودن

یاری حضرت مهدی علیه السلام در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق العاده یاران خاص اشاره

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۵.

شده است. عبد الملک بن اعین گوید:

در نزد امام باقر علیه السلام از جا برخاستم و [از پیری] تکیه بر دستم زده، گریستم. حضرت فرمود: تو را چه شده؟ عرض کردم: من امید آن داشتم که تا نیرویی در تن دارم، حکومت حقه شما و پیرویشان را درک کنم؟ امام فرمود:
 ... إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ لَوْ قُدِفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعْتَهَا وَ كُنْتُمْ قَوَّامِ الْأَرْضِ وَ خُرَّانَهَا؛^۱ به راستی اگر این جریان بشود، (و هنگام ظهور و پیروزی ما گردد)، بر مردی از شما نیروی چهل مرد داده شود و دل‌های شما چون پاره‌های آهن گردد؛ اگر با آنها به کوه‌ها زنند آنها را از جای برکنند، و شما در آن زمان حاکمان روی زمین و خزینه داران آن می‌باشید.

البته این قدرتمندی برای رهبر قیام در نقل ریّان بن صلت چنین آمده است:

به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همچنان که پر از جور شده باشد، نیستم و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی. قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیامی کند چنان نیرومند است که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌های آن فرو می‌پاشد.^۲

۱-۶. کرامت داشتن

در بعضی روایات از کرامات یاران حضرت سخن به میان آمده است. یکی از این کرامت‌ها آن است که دارای قدرت طی الارض هستند. اگر چه حقیقت این امر برای ما به روشنی معلوم نیست؛ اما این قدرتی است که خداوند در اختیار برخی بندگان خود قرار می‌دهد که با آن مسافت‌های بسیار طولانی را در اندک زمانی سپری کنند. امام صادق علیه السلام درباره طی الارض یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

... فَيَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوِي لَهُمُ الْأَرْضَ حَتَّى

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۴، ح ۴۴۹.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

يُبَايِعُوهُ...؛^۱ پس، از گوشه و کنار زمین پیروان او به سویش گرد می‌آیند و زمین برای آنها به هم پیچیده می‌شود، تا اینکه با او بیعت می‌کنند.

۱-۲. یاران زن

لازم یادآوری است که در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش به‌سزایی دارند و طبق بیان بعضی از احادیث، پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام حضور دارند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

وَاللَّهِ ثَلَاثُمِائَةِ وَبَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خُمُسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا...؛^۲ به خدا سوگند! ۳۱۳ مرد که پنجاه زن نیز در میان آنهاست، مانند قطعه‌های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در مکه معظمه جمع می‌شوند.

این موضوع، دو نکته را روشن می‌سازند:

یکم. به رغم تأکید آموزه‌های وحیانی - بویژه در دین مقدس اسلام - زنان در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بوده و شخصیت آنان تحقیر شده است. اما، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز می‌یابند و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت می‌کنند. این موضوع، اهمیت ویژه‌ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را مشخص می‌سازد.

دوم. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر مسئولیت‌ها و سازندگی‌ها، می‌توانند مشارکت کنند. همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی و آموزش معارف الهی می‌توانند کارآمد باشند و نقش برجسته‌ای ایفا کنند. در مسائل پشت جبهه و مسائل اجتماعی و تربیتی نیز می‌توانند نقش سازنده‌ای داشته باشند.

این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و رشد و تکامل قابل توجه او را روشن می‌کند. اثر تربیتی این موضوع مهم، در جامعه منتظر، می‌تواند خودآگاهی زنان و بازشناسی

۱. فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۲۶۳.

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

توان رشد و بازیابی شخصیت آنان باشد.

برای شرکت در آن انقلاب جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بعد علم و عمل تکامل یابند و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسئولیت‌های بزرگی بر عهده دارند و در آینده کارهای مهمی را انجام خواهند داد. پس بایستی از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام پردازند و در تربیت خویش بکوشند، تا پیش از ظهور، در جرگه زنان منتظر قرار گیرند، و پس از آن شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند.^۱

۱-۳. گونه‌شناسی یاران خاص

یاران امام مهدی علیه السلام از صنف، نژاد و منطقه خاصی نیستند؛ بلکه از گروه‌ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. کسانی که به یاری آن حضرت می‌شتابند از مناطق مختلف و اقصی نقاط کره زمینند.

امام جواد علیه السلام از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن مفصلی در باره یاران حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است:

... رِجَالٌ مُسَوِّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...^۲ و مردانی شناخته شده و نامدار، خدای

تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد می‌آورد.

البته در بعضی از روایات به گروه‌های خاصی نیز اشاره شده است که از این قرارند:

۱-۳-۱. ابدال

«ابدال»، گروهی از شایستگان و خاصان خدا [هستند] که هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپا است. آن‌گاه که یکی از آنان بمیرد، خداوند متعال انسان دیگری را به جای او برانگیزد،^۳ تا آن شمار - که به قولی هفت و به قولی هفتاد است -

۱. محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۷۵ - ۷۶ (با تصرف).

۲. رک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. رک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

همواره کامل بماند.^۱

برخی نیز گفته‌اند: آنان، گروهی‌اند که خداوند به وسیله آنها دین را بر پا نگه می‌دارد و روزی را نازل می‌کند. چهل نفر از ایشان در شام و سی نفر در سایر بلاد هستند. هر گاه یکی از دنیا برود، کس دیگری همانند او به جای او قرار می‌گیرد.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجَبَاءُ
مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛^۳ سیصد و
چند نفر به شمار اهل بدر با قائم بین رکن و مقام بیعت می‌کنند که در بین آنان
نجبا از اهل مصر و ابدال از اهل شام و اخیار از اهل عراق هستند.

براین اساس «ابدال» گروهی از یاران حضرت مهدی علیه السلام در شام هستند که هنگام
ظهور، خود را به مکه رسانده با ایشان بیعت می‌کنند.

در باره ویژگی این افراد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

... رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ
الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...؛^۴ آنان راهبان شب و شیران روز هستند. دل‌هایشان چون
فولاد سخت است؛ میان رکن و مقام، با او (مهدی علیه السلام) بیعت می‌کنند.

۱-۳-۲. اخیار

«اخیار» در لغت به معنای نیکان، برگزیدگان، نیکوتران^۵ و انسان‌های نیک رفتار است.
همان گونه که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آنان گروهی از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام
و از جمله ۳۱۳ تن هستند که از عراق به آن حضرت می‌پیوندند و بین رکن و مقام با
ایشان بیعت می‌کنند.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ابدال.

۲. خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۴۵.

۳. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۲۷۰؛ صحیح ابن

حبان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ ابن ابی شیبیه، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰؛ عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹.

۴. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۵. دهخدا، لغت‌نامه، اخیار.

۱-۳-۳. عصاب

«عصاب» جمع «عصابه» به معنای گروهی بین ده تا چهل نفر است. گفته شده است: «عصابه» گروهی از زاهدان و وارستگانند.^۱ طبق برخی روایات، آنان یاران حضرت مهدی علیه السلام از عراق هستند،^۲ که هنگام ظهور، خود را به مکه می‌رسانند و با او بیعت می‌کنند.^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... وَعَصَائِبُ الْعِرَاقِ...؛^۴ ... و گروه‌هایی از عراق بیرون می‌آیند....

۱-۳-۴. نجبا

در روایت پیش گفته آن حضرت فرمود:

فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ...؛^۵ نجبا از مصر بیرون می‌آیند....

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةَ وَتَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ...؛^۶ سیصد و چند تن، به شمار اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند. بین آنان نجبا، از اهل مصر ... وجود دارند....

طالقان

افزون بر گروه‌های یاد شده برخی روایات نیز به مناطقی اشاره کرده که بخشی از یاران حضرت از آنجا به او می‌پیوندند از جمله آنها می‌توان به سرزمین «طالقان» اشاره کرد. منظور از طالقان، چه منطقه‌ای بین مرو و بلخ باشد و یا شهری میان قزوین و ابهر،^۷ خاستگاه برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۳؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ح ۵۱، ص ۸۸؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۹.

۴. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۵. همان.

۶. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲.

۷. یاقوت بن عبد الله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۶.

در منابع اهل سنت از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان! خداوند دارای گنج‌هایی در آنجا است که نه از طلا است و نه از نقره؛ اما در آن خطه، مردانی هستند که خدا را آن‌گونه شناخته‌اند که شایسته معرفت است و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می‌باشند.^۱

همین روایت به گونه‌ای دیگر در منابع شیعه نیز آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست، و پرجمی است که از روزی که آن‌را پیچیده‌اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آنها مانند پاره‌های آهن است. شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌تر است. اگر آنان را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می‌دارند. لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی‌کنند، جز اینکه آن را خراب می‌کند. اسب‌های آنها زین‌های زرین دارند و خود آنها برای تبرک بدن خود را به زین اسب امام می‌سپارند. آنها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد، برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آنها است که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آنان در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آقايش پافشاری دارند. مانند چراغ‌های درخشنده‌اند و دل‌هایشان همچون قندیل‌هاست، و از خوف خدا خشنود می‌باشند. ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته گردند. شعار آنان این است: «ای خون خواهان حسین!» از هر جا می‌گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک‌ماه راه در دل‌های جای می‌گیرد و بدین‌گونه رو به پیش می‌روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند.^۲

برخی، طالقان را منطقه ویژه‌ای دانسته‌اند؛ ولی گروهی نیز آن را به منطقه بسیار

۱. سیوطی، *الحوای للفتاوی*، ج ۲، ص ۸۲؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۷، ص ۲۶۲.

۲. محمد باقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

وسیعی همانند ایران معنا کرده‌اند.^۱ از روایت ذکر شده در منابع اهل سنت، استفاده می‌شود که آنان اصحاب و یاران ویژه آن حضرت هستند - زیرا در روایت، نوع آنان مشخص شده است - اما در روایت بحار الانوار علاوه بر بیان چگونگی و کیفیت، سخن از کمیت و لشکر و درفش‌های فاتح و پیروز به میان آمده است.

در روایاتی هم به کسانی اشاره شده که شماری از آنان به یاری مهدی موعود علیه السلام بر نخواستند. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغْرَبُوا وَ سَيَخْرُجُ مِنَ الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ^۲ به همراه قائم علیه السلام از عرب تعداد ناچیزی خواهد بود؛ به آن حضرت عرض شد: همانا از عرب کسانی که این امر را توصیف می‌کنند، فراوانند، فرمود: مردم ناگزیرند از اینکه مورد امتحان و پاکسازی و جداسازی و غربال شدن قرار گیرند و در آینده نزدیک، مردم بسیاری از غربال خارج خواهند شد.

البته ما امروز شاهد آزمایش‌های بزرگی از آنان هستیم. از یاری مردم عرب و مسلمان مظلوم غزه گرفته تا مردم مظلوم یمن و... همه و همه امتحاناتی است که در دوران ما برای مسلمانان عرب پدید آمده است! باشد آزمایش‌های دیگر در آینده چگونه باشد؟

دو. یاران عام (یاوران)

پس از گردآمدن یاران خاص حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می‌رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده، آماده یاری او می‌شوند. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ^۳ امام

۱. نک: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۴.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۲۰.

زمان علیه السلام خروج نمی‌کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده‌هزار نفر نیستند.

آنچه در اینجا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده‌اند. در این باره ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

امام در تفسیر این قول خدای تعالی «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا»^۱ فرمود:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُتَنْظَرِ مِنَّا. يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۲

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

در برخی روایات گفته شده شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام «یاالشارت الحسین علیه السلام» است. «ثار» در لغت به معنای خون‌خواهی است.^۳ بخشی از اهداف امام مهدی علیه السلام و یاران او در برپایی قیام جهانی انتقام از ستمگران است و آنان با این شعار به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام قیام خواهند کرد. پس معنای این شعار چنین خواهد بود: «کجایند قاتلان

۱. «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد».

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۹۷؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۶؛ طریحی،

مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴.

حسین؟^۱ یا «کجايند خون خواهان حسين؟». امام صادق عليه السلام در اين باره فرمود:

... وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةً شَهْرًا؛^۲ ياران مهدی... فقط از خدا می ترسند و فریاد «لا اله الا الله» آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدايند. شعار آنان «يا لثارات الحسين» است. به هر سو که رو می آورند، ترس از آنان، - به اندازه یک ماه مسير - پيشاپيش در دل مردم می افتد.

در بعضی از روايات، اين عبارت، شعار فرشتگان، به هنگام ياری حضرت مهدی عليه السلام دانسته شده است.

امام رضا عليه السلام در اين باره فرمود:

فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛^۳ پس آنها از ياران او هستند و شعارشان «يا لثارات الحسين» است.

طبق اين روايت نيز شعار ياران حضرت هماهنگ با فرشتگان الهی خواهد بود. البته روشن است چون حسين بن علی عليه السلام آينه تمام نماي حق و حقيقت است و دشمنان وی در آن زمان، نماد تمام نماي باطل؛ انتقام از خون امام حسين عليه السلام انتقام از خون همه مظلومان در طول تاريخ خواهد بود و حکومت عدل جهاني، برآورنده آرزوی همه فرودستان جهان در طول تاريخ است.

۱. ر.ک: طريحي، مجمع البحرين، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳. صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹؛ همو، الامالی، ص ۱۲۹.



منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۲. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ هـ. ش.
۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۴. محمدی‌اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ ش.
۵. الهامی، داود، آخرین امید، ج دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ هـ. ش.